



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ادله وجوب خمس در معدن

۱- اجماع شیعه (محصل و منقول)
بر وجوب خمس در معدن حاصل است
و خلافتی در مسأله نقل نشده و کلمات
بزرگان را نیز در این مورد نقل کردیم.

خمس در کتاب و سنت

علی احمدی میانجی

۲- دلالت آیه شریفه: «واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسة...».

زیرا عموم کلمه «غنمتم» مطابق تحقیق گذشته همه درآمدها را شامل می شود حتی اگر در بعضی از مصادیق معدن شک کنیم که آیا عرفاً معدن بر آن صدق می کند یا نه و برفرض ادله ای که دلالت بر خمس در معدن می کرد آنرا نگیرد لکن به موجب آیه مبارکه، چون غنیمت بر آن صادق است خمس در آن واجب می شود، ولی حکم خاص معدن را نخواهد داشت.

۳- احادیث وارده از رسول خدا صلی الله علیه وآله و اهل بیت علیهم السلام که مجموعاً دلالت دارد بر اینکه خمس در همه اقسام معدن واجب است.

نص احادیث:

۱- احمد بن محمد بن محمد بن ابی نصر

بزنطی می گوید: از ابی الحسن (امام رضا) علیه السلام پرسیدم: از چیزهایی که از معدن استخراج می گردد، آیا چیزی در آن واجب است؟ فرمود: در آن چیزی واجب نیست تا به حدی برسد که در نظیر آن زکات واجب می شود و آن مقدار بیست دینار است.^۱

۲- محمد بن مسلم گوید: از حضرت ابی جعفر (امام باقر) علیه السلام از حکم معدنهای طلا و نقره و مس و آهن و روی پرسیدم، حضرت فرمود: در همه اینها خمس واجب است.^۲

۳- محمد بن مسلم از حضرت ابی جعفر (امام باقر) علیه السلام روایت کرده و می گوید: سؤال کردم از امام علیه السلام از (حکم) ملاحه؟ فرمود: ملاحه چیست؟ گفتم: زمین شوره زاری است که آب در آن جمع شده و نمک می گردد. فرمود: این معدن است (در

۱- جامع الاحادیث به نقل از تهذیب: محمد بن الحسن الصفار عن یعقوب بن یزید عن احمد بن محمد بن ابی نصر قال: سألت ابا الحسن علیه السلام عما اخرج المعدن من قليل او كثير هل فيه شیء؟ قال: ليس فيه شیء حتى يبلغ ما يكون في مثله الزكاة عشرين دینارا.

۲- همان مصدر ص ۵۳۳ به نقل از اصول کافی و تهذیب و مستدرک الوسائل: عن ابی جعفر علیه السلام قال: سألت عن معادن الذهب والفضة والصفرة والحديد والرصاص فقال: عليها الخمس جميعا.

نقل مرحوم صدوق: مثل معدن است) و در آن خمس واجب می باشد، گفتم: گوگرد و نفت که از زمین بیرون می آید چگونه؟ فرمود: در این و اشباه این خمس واجب است.^۱

امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: آنچه از معدنها و دریا بدست می آید و در غنیمت و در مال حلال مختلط به حرام اگر صاحبش شناخته نشود و در گنجها خمس واجب است.^۲

۴ - زراره از حضرت ابی جعفر (امام باقر) علیه السلام نقل کرده و می گوید: پرسیدم (از امام علیه السلام) از معادن که چه چیز در آن واجب است؟ فرمود: (به طور کلی) هر چه «رکاز» باشد در آن خمس واجب است و هر چه با مال خود (سرمایه گذاری کرده) استخراج نمودی، هر چه استخراج شده پس از خالص شدن خمس در آن واجب است.^۲

۶ - حلبی از امام صادق علیه السلام نقل نموده می گوید: از حضرت پرسیدم از گنجها که (حق واجب) در آن چه مقدار است؟ فرمود: یک پنجم (واجب است) و (پرسیدم) که در معدنهای حق واجب چقدر است؟ فرمود: خمس (واجب است) و همچنین در روی مس و آهن و هر چه که از معادن باشد، همانطوری که در معادن طلا و نقره خمس واجب است.^۴

۵ - عمار بن مروان می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: آیا نمی بینی

۱ - جامع الاحادیث ج ۸/۵۳۴ به نقل از تهذیب ومن لایحضره الفقیه و مقنع: «سألت ابا جعفر علیه السلام عن الملاحة؟ فقال: وما الملاحة؟ فقال: ارض سبخة مالحة یجتمع فیہ الماء فیصیر ملحاً فقال هذا (مثل) المعدن فیہ الخمس قلت فالكبریت والنفت یرخرج من الارض (قال) فقال: هذا و اشباهه فیہ الخمس».

۲ - همان مصدر ص ۵۳۴ به نقل از تهذیب، عن ابی جعفر علیه السلام قال: سألت عن المعادن ما فیها؟ فقال: كلما كان ركازاً ففیہ الخمس. قال: وما عالجه بما لك فقیه ما اخرج الله منه من حجارته مضمی الخمس». سخن در مورد حدیث ركاز و معنای آن خواهد آمد انشاء الله تعالی.

۳ - جامع الاحادیث ج ۸/۵۳۴ به نقل از خصال و وسائل: سمعت ابا عبد الله (ع) یقول: فیما یرخرج من المعادن والبحر والغمیمة والحلال المختلط بالحرام اذا لم یعرف صاحبه والكنوز، الخمس

۴ - همان مصدر ص ۵۳۴ به نقل از اصول کافی و تهذیب ومن لایحضره الفقیه: «سألت عن الكنوز كم فیہ؟ قال: الخمس. وعن المعادن كم فیها؟ قال: الخمس، وكذلك الرصاص والصفیر والحديد و(كل) ما كان من المعادن (كم فیها فقال:) یؤخذ منها كما یؤخذ من (معادن الذهب والفضة).

علی را، که او معدن را «رکاز» نامید و حکم «رکاز» را بر آن اجرا نموده و خمس از آن گرفت؟^۱

بره‌های دنبال رو آنها، برگرد از فروشنده بخواه که معامله را اقاله کند و خودت هم معامله را به هم بزنی.

پدرم برگشت و از فروشنده خواست که معامله را بهم بزنی و گفت پانزده رأس (از صد گوسفند) کم کن (ومعامله را بهم بزنی) ولیکن فروشنده قبول نکرد.

پدرم در معدن مشغول استخراج و کار شد و پول هزار گوسفند درآورد، فروشنده آمد و خواستار بهم زدن معامله شد، پدرم قبول نکرد، فروشنده گفت می‌روم و به امیرالمؤمنین (ع) گزارش می‌دهم، رفت و به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض نمود: ابوالحارث معدن پیدا کرده است. علی علیه السلام آمد و فرمود: کجا است «رکازی» که پیدا کرده‌ای؟ عرض نمود: من «رکاز» نیافته‌ام، «رکاز» را ایشان پیدا کرده و من در مقابل صد رأس گوسفندی که بره به همراهش باشد، از او خریده‌ام علی علیه السلام فرمود: خمس نیست مگر به عهده

۸ - حمید بن زنجویه النسائی در کتاب «الأموال» نقل کرده که علی بن ابیطالب رضی الله عنه، معدن را از مصادیق رکاز دانسته و خمس را در آن واجب می‌شمرد.^۲

۹ - سماک بن حرب از حارث بن ابی الحارث نقل کرده که می‌گفت: پدرم از داناترین افراد به معدن بود، و نزد کسی که معدنی را استخراج نموده بود، رفت و آن را از آن شخص در مقابل صدتا میشی که بره در دنبال داشته باشد، خرید. (پس از خریدن) آمد مادرش را خبر کرد مادر گفت: پسرک من، این صد رأس میش (در حقیقت) سیصد رأس است (زیرا) صد رأس میشها و صد رأس بره‌های توی شکم آنها و صد رأس

۱ - الأموال تألیف ابی عبید ص ۴۷۴: «قال ابو عبید: افلا تری علیا ان علیاً قد سمی المعدن رکازاً و حکم علیه بحکمه و اخذ منه الخمس».

۲ - عمدة القاری ج ۹/۱۰۳: «ذکر حمید بن زنجویه النسائی فی کتاب الأموال عن علی بن ابی طالب رضی الله عنه انه جعل المعدن رکازاً و اوجب فيه الخمس».

شاید مراد هر دو و نظرشان به روایت آتی است. و اما اینکه آن حضرت معدن را رکاز قرار داده نظر به اختلافی است که میان اهل حجاز و اهل عراق در معنای رکاز وجود دارد و انشاء الله تعالی ما در این مورد به زودی سخن خواهیم گفت.

فروشنده و آنگاه صد گوسفند او را تخمیس کرد و خمس آن را که (بیست رأس بود) گرفت.^۱

۱۰ - بیهقی از مکحول روایت کرده که عمر بن الخطاب معدن را «رکاز» قرار داد و در آن خمس قائل شد.^۲

۱۱ - از زهري نیز نظير روایت هشتم نقل شده است.^۳

۱۲ - از ابن شهاب هم نقل شده که از حکم «رکاز» و «معدن» از او سؤال شد، گفت: به همه اینها خمس

تعلق می گیرد.^۴

۱۳ - از عمر بن عبدالعزیز نیز نقل شده... که اگر معدن رکاز پیدا می کردم خمس آن را از ما می گرفت.^۵

۱۴ - ابن عمر حدیثی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل نموده ولی صریح در خمس نیست زیرا احتمال می رود که در زکات باشد می گوید: یک قطعه طلا حضور رسول الله صلی الله علیه وآله آوردند و این اولین صدقه ای بود که از معدن آورده بودند فرمود: این چیست؟ گفتند: صدقه است از یک معدنی که داریم. فرمود: زود می شود که این یک

۱ - الأموال، تألیف ابی عبید ص ۴۷۳، و لسان العرب و نهایت ابن اثیر در کلمه «تبع» و در مسأله رکاز، این حدیث از طرق ما خواهد آمد: «عن سماک بن حرب عن حارث بن ابی الحارث الازدی ان اباه کان من اعلم الناس بمعدن و انه اتى علی رجل قد استخرج معدنا فاشتره منه بمائة شاة متبع فاتی امه فاخبرها فقالت یا بنی ان المائة ثلاثمائة، اتها مائة و اولادها مائة و کفاتها مائة فارجع الی صاحبک فاستقله فرجع الیه فقال: ضع عنی خمس عشرة، فابی ذلک قال: فأخذه فاذا به فاستخرج منه ثمن الف شاة، فقال له البایع رد علی البیع فقال لا اقل فقال لاتین علیاً فلأتین علیک فاتی علیاً - یعنی علی بن ابیطالب - فقال: ان ابی الحارث اصاب معدنا فاتاه علی فقال این الركاز الذی اصبحت؟ فقال: ما اصبحت رکازا انما اصابه هذا فاشترته منه بمائة شاة متبع، فقال له علی: ما اری الخمس الا علیک قال فخمس المائة شاة».

۲ - عمدة القاری ج ۱۰۳/۹ و سنن بیهقی ج ۱۵۴/۴.

«ان عمر بن الخطاب (رض) جعل المعدن بمنزلة الركاز فیه الخمس»

۳ - عمدة القاری ج ۱۰۳/۹

۴ - الأموال ابی عبید، ص ۴۷۴.

«انه سئل عن الركاز و المعادن فقال: یرج من ذلک کله الخمس»

۵ - مصنف عبدالرزاق، ج ۱۱۶/۴.

«عن عمر بن عبدالعزیز... فاذا وجدنا فی المعادن الركاز اخذ منا الخمس».



معدن، معدنها خواهد شد و زود است که شرخلاق خدا در آن خواهد بود.^۳
 پس خمس در کلیه معادن (جواهرات معدنی، غیر جواهرات) خلاصه هرچیز قیمت داری که در جائی انباشته شده و سر منشأ زیرزمینی

(ریشه) داشته باشد به حکم کتاب و اجماع و سنت متظافره از طرق امامیه و نیز از طرق اهل سنت، واجب است.

۳- المعجم الصغير تألیف طبرانی، ج ۱/۱۵۳.

«عن ابن عمر: اتى النبي صلى الله عليه وآله وسلم بقطعة من ذهب كانت اول صدقة جاءت من معدن فقال: ما هذه قالوا صدقة من معدن لنا فقال: انها ستكون معادن وسيكون فيها شر خلق الله عزوجل»:

**موقعیت عقل
در منابع فقه و
حقوق اسلامی**
بقیه از صفحه ۴۹

تعیین وظیفه ظاهری در زمینه عدم دسترسی به حکم واقعی حتی به صورت علمی (ظن مستند به علم) است.
 حاصل آنکه، استفاده از حکم عقل در فقه اسلام به سه صورت یا در سه مرحله انجام می گیرد:
 اول: کشف احکام واقعی یقینی (مستقلات عقلیه)
 دوم: اثبات حجیت امارات ظنی مستند به علم و کمک برای کشف مفاد کامل کتاب و سنت (اصول لفظیه)
 سوم: تعیین وظیفه ظاهری در موردی که دسترسی به حکم واقعی ممکن نباشد (اصول عملیه)
 اما احکام ظنی که دلیل معتبری نداشته باشد مانند نتایج قیاس و استحسان، از نظر شیعه، فاقد اعتبار است و در حقیقت، اینگونه احکام به طور مسامحه به عقل نسبت داده می شود.

